

سلامت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/۱۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدفهای علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.



دانشگاه پیام نور
مرکز همدان
پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان پایان نامه:

تحلیل و مقایسه کرامت ذاتی به عنوان یکی از مبانی حقوق بشر غربی و کرامت ارزشی به

عنوان یکی از مبانی فقه اسلامی

استاد راهنما:

دکتر نعمت اله عبدی

استاد مشاور:

دکتر علی اصغر مروت

دانشجو:

اعظم مرادی

تابستان ۱۳۹۷

تقدیم به
خدایی که آفرید

جهان را، انسان را، عقل را، علم را، معرفت را، عشق را و به کسانی که عشقتان را در وجودم دمید. سپاس بی کران پروردگاری که
هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونان شد و به همشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه‌بینی از علم و معرفت را روزمان
ساخت.

تقدیم به پدر، مادر عزیزم و تمام کسانی که در زندگی

از نگاهشان صلابت

از رفتارشان محبت

و از صبرشان ایستادگی را آموختم.

سپاسگزاری

سپاس خداوندی را که یاری ام نموده که در طریق علم و دانش رهنمون شوم و به بهشتینی رهروان علم مفتخر باشم و خوشحیبی از علم و معرفت بزرگ اندیشان روزیم باشد تا بتوانم بهره لازم را از راهنمایی و مشاوره های نیک اندیشانی چون جناب آقای دکتر نعمت اله عبدی و دکتر علی اصغر مروت و نیز سپاسگزارم از تمامی اساتیدی که در طول دوره کارشناسی ارشد تخطری بیع را به من آموختند تا من نیز به رسم تعظیم به جایگاهی که اکنون در آن ایستاده ام، خداوند بزرگ را همواره شاکر باشم.

چکیده :

در کلیت نگاه اسلام به مقوله حقوق بشر با کلیت نگاه نسل اول حقوق بشر اختلافات مبنایی وجود دارد ، البته بررسی مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر این نکته را نیز نمایان می‌سازد که اصل آزادی ذاتی انسان در برابر سایر انسان‌ها با لحاظ مسئولیت انسان در برابر خداوند و سایر هم‌نوعان خود در اسلام مورد پذیرش است و نفی برده‌داری بر همین مبناست. و ملاک برتری آدمیان فضایل درونی آنهاست نه نژاد، رنگ، جنسیت و به همین ترتیب همه ی مفاد مطرح شده در مواد اول تا پانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر در حدی که مباحث کلی و مرتبط با کرامت و حقوق واقعی انسان ها مطرح شده است در اندیشه دینی اسلام نیز مورد پذیرش قرار گرفته است ، ولی مواردی که مربوط به آزادی انسان بدون در نظرگرفتن جایگاه خداوند در جامعه و پایبندی به وحی است در اندیشه اسلامی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.. تفاوت ماهوی این دو رویکرد مربوط به نگاه انسان مدارانه نسل اول و نگاه خدامحورانه مبنایی اسلامی است. برداشت و تلقی اسلام از حقوق بشر در چارچوب انسان مسئول در برابر خدا و احکام و تکالیف الهی شکل می‌گیرد در حالی که رویکرد نسل اول در فضایی سکولاریستی و با تاکید بر اومانیزم تدوین شده است.

کلیدواژه ها : کرامت ذاتی ،حقوق بشر ، غرب ، کرامت ارزشی ، فقه اسلامی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	۱-۱-مقدمه
۴	۲-۱-بیان مساله
۴	۳-۱-اهمیت و ضرورت تحقیق
۵	۴-۱-کاربردهای متصور از تحقیق
۵	۵-۱-سابقه و پیشینهی تحقیق
۶	۶-۱-اهداف تحقیق
۷	۹-۱-جنبه‌ی نوآورانه تحقیق

فصل دوم مبانی و مفاهیم نظری

۱۰	۱-۲-تعریف کرامت
۱۱	۲-۲-کرامت ذاتی انسان
۱۲	۱-۲-۲-کرامت ذاتی انسان در اعلامیه جهانی حقوق بشر
۱۵	۱-۲-۲-۱-کرامت از دیدگاه فلاسفه غرب
۱۵	۱-۲-۲-۱-۱-کرامت از دیدگاه ارسطو
۱۸	۱-۲-۲-۱-۲-کرامت از دیدگاه کانت
۱۹	۱-۲-۲-۱-۲-۱-«غایت فی نفسه» بودن انسان
۲۰	۱-۲-۲-۱-۲-۲-مبنای کرامت و احترام انسان
۲۱	۳-۲-کرامت ارزشی
۲۱	۱-۳-۲-کرامت ارزشی انسان از منظر فقه اسلامی
۲۵	۱-۳-۲-۱-مبناشناسی کرامت

- ۲۵.....۱-۱-۱-۳-۲-کرامت و مصاحبت و انس با پروردگار.....
- ۲۶.....۲-۱-۱-۳-۲-کرامت و قداست.....
- ۲۶.....۳-۱-۱-۳-۲-کرامت و بهره مندی از نعمت.....
- ۲۷.....۴-۱-۱-۳-۲-کرامت، همدلی و همگرایی.....
- ۲۷.....۵-۱-۱-۳-۲-کرامت و آزاد بودن.....
- ۲۸.....۶-۱-۱-۳-۲-کرامت و آفرینش.....
- ۲۹.....۷-۱-۱-۳-۲-کرامت و رفتارهای انسانی.....
- ۳۰.....۸-۱-۱-۳-۲-کرامت و تقوا.....

فصل سوم تجزیه و تحلیل یافته ها

- ۳۳.....۱-۳-تحلیل و مقایسه کرامت ذاتی انسان در حقوق بشر غربی و کرامت ارزشی انسان در فقه اسلامی.....
- ۳۳.....۱-۱-۳-مبانی کرامت انسان در جهان بینی اسلامی و مقایسه آن با اعلامیه حقوق بشر.....
- ۳۳.....۱-۱-۳-انسان برگزیده و خلیفه خدا.....
- ۳۴.....۲-۱-۳-بهره مندی از عقل و خرد.....
- ۳۶.....۳-۱-۳-اختیار و آزادی اراده.....
- ۳۸.....۴-۱-۳-بهره‌مندی از فطرت الهی.....
- ۳۹.....۲-۱-۳-اصول منبعت از کرامت انسان (لوازم کرامت انسان).....
- ۴۰.....۱-۲-۳-حق حیات و امنیت در زندگی شخصی.....
- ۴۲.....۲-۲-۳-آزادی اجتماعی.....
- ۴۷.....۳-۲-۳-برخورداری از امتیازات اجتماعی به طور عادلانه.....
- ۵۴.....حقوق مدنی و سیاسی (حقوق بشر) غرب، مصوب ۱۹۴۸.....
- ۵۶.....مقایسه مفاد نسل اول حقوق بشر با مبانی اسلامی.....
- ۵۷.....مقایسه نسل اول حقوق بشر مطرح شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر با مبانی اسلامی.....
- ۵۷.....۱-بررسی ماده.....
- ۵۸.....۱-۲ بند دوم، سوم و چهارم.....
- ۵۹.....۱-۳ بند پنجم.....

۵۹.....	۱-۴ بند ششم
۶۰.....	۲- ماده دوم
۶۰.....	۲-۱ بند یکم
۶۰.....	۲-۲ بند دوم
۶۱.....	۳- ماده‌ی سوم
۶۱.....	۳-۱ - بند یکم
۶۲.....	۳-۲ - بند دوم
۶۲.....	۳-۳ - بند سوم
۶۲.....	۴- ماده‌ی چهارم
۶۲.....	۴-۱ - بندیکم
۶۳.....	۵- ماده‌ی پنجم
۶۳.....	۵-۱ - بند یکم
۶۴.....	۵-۲ - بند دوم
۶۴.....	۶- ماده‌ی ششم
۶۴.....	۶-۱ - بند یکم و دوم
۶۵.....	۷- ماده‌ی هفتم
۶۵.....	۷-۱ - بند یکم، دوم، سوم، چهارم و پنجم
۶۶.....	۸- ماده‌ی هشتم
۶۶.....	۹- ماده‌ی نهم
۶۷.....	۱۰- ماده‌ی دهم
۶۷.....	۱۱- ماده‌ی یازدهم
۶۸.....	۱۲- ماده دوازدهم
۷۱.....	۱۳- ماده سیزدهم
۷۲.....	۱۴- ماده چهاردهم
۷۳.....	۱۵- ماده پانزدهم

فصل چهارم

نتیجه گیری و پیشنهادها	۷۴
نتیجه گیری	۷۵
منابع	۷۸

فصل اول

طرح تحقیق

۱-۱- مقدمه

توسعه روابط انسانی در حوزه های گوناگون، از جمله در تعاملات حاکمیتی از یک سو، با چالش هایی چند، و از سوی دیگر، با سؤالات و ابهامات گوناگونی مواجه شده است. شکل گیری مفاهیم جدید و نوپیدا از رهگذر این توسعه، بسترهای اولیه، برخی چالش ها و ابهامات علمی را به وجود آورده است. از جمله این مفاهیم، موضوع حقوق بشر و حقوق شهروندی در یک نظام سیاسی است. تنظیم روابط جدید دولت و مردم با رویکرد حمایت از شهروندان و بلکه آحاد بشر، هدف اصلی و اولیه حقوق بشر است. اینکه بر اساس چه مبنایی رسالت حمایتی برای حقوق بشر تعریف شده است، باید در مقوله ای به نام کرامت انسانی جست و جو شود.

پذیرش کرامت برای نوع انسان به معنای آن بود که هیچ عامل تفاوت سازی نباید و نمی تواند در ترسیم حقوق انسانی بر اساس کرامت انسانی نقش آفرین باشد. در این نگاه، کرامت در حوزه مطالعات غیرژنتیکی، شناسایی آزادی انسان بود؛ بدین معنا که کرامت انسانی به رسمیت شناختن آزادی اوست؛ اما در حوزه ژنتیکی این سؤال وجود دارد که کرامت انسانی به چه معنایی است؟ روشن نبودن معنای کرامت منجر به عدم تصویب اسناد بین المللی در حوزه مباحث ژنتیکی شده و جامعه جهانی تنها به صدور اعلامیه بسنده کرده است.

واژه کرامت، که بدین سان در نظام بین الملل حقوق بشر خود را نشان داده، در آموزه های دین نیز مطرح بوده است. در عین حال، طرح این مباحث در نگاه بین المللی توجه اندیشمندان مسلمان را به مقوله کرامت جدی تر

کرده است. نگارش کتاب ها، مقالات و برگزاری همایش های گوناگون، چه در ایران اسلامی و چه در سایر کشورهای اسلامی، مؤید این ادعاست.

اکنون سؤال مطرح این است که در آموزه های اسلامی، به طور عام و قرآنی به طور خاص، کرامت به چه معنایی است تا بتوان با آن مبنای، به ترسیم کرامت سیاسی پرداخت. از آن رو که رویکردهای گوناگون به این واژه قرآنی، به ویژه در معناشناسی کرامت سیاسی، شکل گرفته، هر نوع بررسی در این زمینه منوط به فهم معنای قرآنی کرامت است. این هدف در تحقیق حاضر دنبال می شود. قضاوت های گوناگون و حتی متعارض در خصوص دیدگاه اسلام نسبت به حقوق شهروندی و مقوله حقوق بشری و جایگاه افراد در زمینه حق تعیین سرنوشت، ریشه در این حقیقت دارد.

پیشینه این بحث بیانگر اهتمام مفسران قرآنی، فقها، و اندیشمندان حوزه مطالعات اجتماعی به موضوع کرامت است. تعبیر به کار رفته در کلام این محققان یکسان نیست؛ کرامت انسانی، کرامت ذاتی، کرامت حقیقی، کرامت ارزشی و کرامت اکتسابی نمونه هایی از این تعبیر است. نیم نگاهی به مطالعات صورت گرفته در این زمینه، حاکی از آن است که سؤالات گوناگون و بی پاسخ همچنان در این حوزه مطرح است که پرداختن به این نوع تحقیقات را ضروری می کند.

نکته قابل ذکر آن است که نوعاً محور همه این مباحث در نگاه مفسران و فقها و اندیشمندان مسلمان به دو آیه از قرآن کریم (اسراء ۷۰؛ حجرات: ۱۲) برمی گردد. در نتیجه، هر نوع تبیین و یا برداشت از معنای کرامت انسانی در گرو توجه به این دو آیه شریفه است. برای مثال، برخی از محققان حوزه حقوق عمومی با استناد به آیه بیست و پنجم سوره حدید، حق تعیین سرنوشت را از آن مردم و به عنوان یک حق ذاتی دانسته اند (حقیقت و میرموسوی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۸) که خداوند آن را شناسایی کرده است. وجود چنین حقی حاکمی از کرامت انسانی است. ارزیابی این نوع سخنان از آن رو که ریشه در آموزه های قرآنی دارد، نمی تواند بدون بحث و بررسی قرآنی باشد. کلام فقها نیز از این حقیقت به دور نیست. حوزه مطالعات اخلاقی و سیاسی نیز از این قاعده جدا نمانده است.

۱-۲- بیان مساله

وجود تفاوت بنیادی بین دو نظام حقوقی اسلامی و غربی را نمی توان انکار کرد. به عنوان نمونه در نظام حقوقی غرب هر انسانی حق دارد هر دینی داشته باشد اما در نظام حقوقی اسلام فرد اگر مسلمان است حق ندارد دینی جز اسلام اختیار کند و در صورت اختیار دینی دیگر مرتد محسوب و برای او مجازاتی در نظر گرفته شده است و اگر مسلمان نیست فقط مشروط به این که تولد یافته در خانواده ای از اهل کتاب (یهود، نصاری و ...) باشد می تواند دین پدری خودش را داشته باشد و پذیرش ادیانی که آورنده آنها از نظر اسلام از طرف خدا فرستاده نشده مورد قبول نیست و کسی حق ندارد به آن ادیان باور داشته باشد. این تباین بین دو نظام حقوقی اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر چنان آشکار است که عده ای را در واکنش به تدوین اعلامیه مزبور به فکر تدوین حقوق بشر اسلامی انداخته و کارهایی نیز در این عرصه صورت گرفته است. با توجه به اهمیت موضوع تاکنون بحث و جدل های بسیاری بین طرفداران دو نظام صورت گرفته است و هر طرف کوشیده است با ارائه استدلال هایی به دفاع از خود و نقد طرف مقابل بپردازد. این استدلالها تاکنون نتوانسته مورد قبول طرف مقابل قرار گیرد و آتش اختلاف هنوز که هنوز است شعله ور است. می دانیم علت تباین نتیجه دو استدلال به تباین مبانی آنها برمی گردد و وجود حداقل دو مبنای متباین سبب این اختلاف چشمگیر شده است. بنابراین اگر قرار است برای برطرف کردن این اختلاف گام مهمی برداشته شود نخست باید مبنای متفاوت این دو نظام حقوقی روشن شود و سپس بحث در حقانیت نظام های حقوقی جای خود را به بحث در حقانیت مبنای نظری این نظام ها بدهد. بنابراین مساله ما در اینجا این است که ببینیم دو نظام حقوقی مزبور در چه مبنا یا مبانی ای با هم اختلاف دارند و در دفاع از هر مبنا یا نقد مبنای طرف مقابل چه دلیل یا دلایلی ذکر شده است و کدام دلایل منطقی و قابل قبول اند و کدام دلایل را به واسطه خطاهای مادی یا صوری از نظر منطقی نمی توان پذیرفت.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

بحث در حقوق بشر از مباحث محض و کاملاً نظری نیست بلکه در زندگی بشر بسیار تاثیر گذار است. نه فقط افراد در زندگی خصوصی خود باید تصور درستی از حقوق خود و سایرین داشته باشند بلکه سیاست دولت ها هم بدون داشتن موضعی روشن در باب حقوق بشر نمی تواند شکل بگیرد. از طرفی زیر پا گذاشتن آنچه از نظر

طرفداران یک نظام حقوقی، حقوق بشر خوانده می شود سرآغاز خصومت دولت ها و احیانا مقدمه جنگی های آینده یا لااقل دشمنی ها و تحریم های سیاسی است. امروزه دنیای غرب کشور های اسلامی و از آن جمله کشور ما ایران را تحت فشار گذاشته و آنان را به نقض حقوق بشر متهم می کند. تحریم های فعلی ایران نتیجه این قبیل اتهامات است و برای رفع مشکل از کشور باید به ریشه آن توجه کرد و توجه به این ریشه - که ماهیت و بنیانی نظری دارد- مستلزم شناخت آن است. کار ما در این پژوهش برداشتن گامی اساسی در مسیر این شناخت از ریشه نظری اتهام کشور های غربی به نقض حقوق بشر در کشور های اسلامی و از آن جمله کشور ما ایران است.

۱-۴- کاربردهای متصور از تحقیق

این تحقیق چنانکه در فوق گذشت می تواند پاسخگوی یک مساله‌ی مهم فلسفی باشد و به کار کسانی خواهد آمد که چنین مساله‌ای دارند: نسل جوانی که دارای دغدغه‌های دینی و حقوقی اند و در مسائل دینی دچار شبهه شده اند و مبلغان و مدافعان دین در پاسخ به شبهات مربوط به حقوق بشر می توانند از نتیجه‌ی این تحقیق استفاده کنند. همچنین نتیجه این تحقیق برای پژوهشگران در رشته های حقوق و علوم سیاسی نیز قابل استفاده است.

۱-۵- سابقه و پیشینه‌ی تحقیق

تا آنجا که جستجوی ما نشان می دهد تاکنون در موضوع مورد بحث ما پایان نامه های زیر در دانشگاه های کشور کار شده است:

سید مهدی، مهرداد (۱۳۷۲) کرامت انسان از دیدگاه اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق؛

شرفی، سید حسن (۱۳۸۹) کرامت انسانی در تفسیر های حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران؛

مختاری باغکمه، محمد رضا (۱۳۹۰) مفهوم و ماهیت کرامت در اسناد حقوق بشری و آموزه های دینی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه غیر انتفاعی شهید اشرفی؛

کریمی، ابجد (۱۳۹۳) مبانی انسان شناختی کرامت انسان از دیدگاه اسلام با نگاه به مبانی حقوق بشر غرب، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

نکته قابل ذکر در مورد تمام این آثار این است که در آنها فقط به بحث از کرامت به طور کلی پرداخته شده و مگر در حدی مختصر و غیر کافی به بحث کافی و مستوفایی در باب "کرامت ذاتی" پرداخته نشده است؛ حال آن که در پژوهش ما از کرامت ذاتی به عنوان امری که گاه در تقابل با کرامت ارزشی قرار می گیرد به تفصیل بحث شده است.

۱-۶-اهداف تحقیق

هدف اصلی

تحلیل و ارزیابی باور به "کرامت ذاتی" به عنوان یکی از مبانی نظری در اعلامیه جهانی حقوق بشر و باور به "کرامت ارزشی" به عنوان یکی از مبانی حقوق بشر اسلامی.

یافتن مبانی متعارض دو نظام حقوقی اسلامی (آنچنان که در نظام های فقهی اسلامی آمده) و غربی (آنچنان که در منشور ملل متحد ذکر شده است)؛

اهداف فرعی

ایضاح چیستی کرامت ذاتی به عنوان یکی از مبانی حقوق بشر غربی و ارائه دلایل ذکر شده در طرفداری از آن؛

ایضاح چیستی کرامت ارزشی به عنوان یکی از مبانی حقوق بشر اسلامی و ارائه دلایل ذکر شده در طرفداری از

آن؛ ارزیابی منطقی دلایل ارائه شده در طرفداری از دو مبنای حقوقی فوق.

۷-۱-سوالات تحقیق

۱. آیا کرامت ذاتی را می توان به عنوان یکی از مبانی نظام حقوقی غرب -آنچنان که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است- برشمرد؟

۲. آیا کرامت ارزشی را می توان به عنوان یکی از مبانی نظام حقوقی اسلامی تلقی کرد؟

۳. آیا دلایل فیلسوفان حقوق در جهان غرب در اثبات کرامت ذاتی بشر از نظر منطقی قابل قبول است؟

۸-۱-فرضیات تحقیق

۱. اعتقاد به کرامت ذاتی بشر مبنایی تعیین کننده برای تدوین کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده است؛

۲. اعتقاد به کرامت ارزشی انسان عاملی تعیین کننده در شکل گیری فقه اسلامی بوده است؛

۳. دلایل فیلسوفان غربی در دفاع از کرامت ذاتی بشر در تعارض با دیدگاه های اخلاقی و از آن جمله دیدگاه های اخلاقی خود آن فیلسوفان است.

۹-۱-جنبه‌ی نوآورانه تحقیق

در گردآوری و گزارش آراء فلسفی در باب کرامت ذاتی و کرامت ارزشی، ما در این تحقیق کاری بیشتر از آنچه در تحقیقات مربوطه آمده است انجام نداده ایم اگرچه این گزارش و گردآوری در کار ما به صورتی متفاوت انجام شده به این صورت که از زبان ساده‌تری برای انتقال مطلب استفاده شده و مثال‌های مناسب‌تری برای تقریب مطلب به ذهن به کار گرفته شده است؛ اما در نقد و تحلیل آراء بویژه از نظر عقلی و فلسفی در تحقیق ما تحلیلها و نکته‌های باریکی به چشم خواهد خورد.

روش تحقیق

توصیفی-تحلیلی

نوع تحقیق

نظری

روش انجام تحقیق

ابتدا بر پایه‌ی روش کتابخانه‌ای آراء فلسفی در باب کرامت ذاتی و کرامت ارزشی از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی در این زمینه گردآوری و سپس به توصیف، تحلیل و ارزیابی آنها بر پایه‌ی موازین منطقی پرداخته خواهد شد.

ابعاد موضوعی، زمانی و مکانی

موضوع این تحقیق، تحلیل و ارزشیابی دو دیدگاه در باب کرامت بشر است که خاستگاه یکی در جهان غرب بعد از رنسانس و دیگری مربوط به جهانی با حاکمیت مذهب است؛ از قدیم الایام مذهب در شئون زندگی ما شرقی‌ها حضور داشته اما در جهان غرب این سیطره و غلبه به دوران پیش از رنسانس بر می‌گردد.

فصل دوم

مبانی و مفاهیم نظری

۲-۱- تعریف کرامت

اگرچه واژه کرامت، در ادبیات دینی ما وجود داشته است، ولی رایج شدن، آن در اصطلاحات حقوق و انسانی، پس از رواج اصطلاحات مربوط به حقوق بشر است. این واژه، از کلمه «Dignity» در انگلیسی گرفته شده و آنچه در متون انگلیسی و نوشته‌های مربوط به حقوق بشر آمده، همین واژه دیگری است که در فارسی از آن به حیثیت، کرامت و یا منزلت انسانی یاد می‌شود. کرامت در لغت معانی مختلفی دارد. مهم ترین آنها عبار تند از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگی‌ها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت(دهخدا، ۱۶۰۷۰). در بررسی جایگاه کرامت انسان در اسلام، باید میان کرامت ذاتی و اکتسابی او تمایز قائل بود. به نظر می‌رسد در دین اسلام بتوان دو نوع کرامت برای انسان یافت. یکی کرامتی جهانشمول که صفتی فطری و ذاتی است و از آیه ای چون «و لقد کرّمنا بنی آدم» (اسراء، ۷۰) مستفاد می‌گردد (زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶، ۱۶۴).

این نوع کرامت عام است و همگی انسان‌ها اعم از زن و مرد، مؤمن و کافر و... را شامل می‌شود و بیانگر صفت رحمانیت خداوند است. رحمان در مقابل رحیم بوده و آن نوعی از کرامت خداوندی است که تمام بشر را در بر می‌گیرد. کراماتی چون حق حیات و خلقت انسان، قدرت اراده و اختیار، قدرت تعقل و اندیشه، مسخر قرار دادن دیگر موجودات برای انسان، فراهم کردن اسباب هدایت انسان، مانند فرستادن رسول ظاهری و باطنی، از این جمله اند (اخوان کاظمی: ۱۳۸۷، ۳). نوع دیگر کرامت انسانی، اکتسابی و غیر ذاتی بوده و مقید به عقیده انسان است و در رابطه انسان با خداوند تعریف شدنی است و از آیه ای نظیر «ان اکرمکم عند الله اتقیکم» (حجرات، ۱۱۳) قابل برداشت است؛ چرا که در این آیه مبنای کرامت، نه بشریت، بلکه تقوا معرفی شده است. به عبارت دیگر اکتساب کرامت منظور در این آیه، مقید به تقوا است. (زنجانی و توکلی، همان، ص ۱۶۴) این نوع کرامت خاص بوده و تنها انسان‌هایی را شامل می‌شود که راه حقیقت را یافته اند و ایمان به خدا دارند. خداوند به این دسته از انسان‌ها رحمت خاص عطا کرده که غیرمؤمنان از آن بی‌نصیبند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۷، ص ۳). در اعلامیه جهانی حقوق بشر جهت جلوگیری از بروز اختلافات عقیدتی میان مردم کشورهای گوناگون، به کرامت ذاتی انسان توجه شده است و در اسلام نیز در کنار کرامت اکتسابی به کرامت ذاتی انسان، توجه شده است.

کرامت انسان در اسلام، نه بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری، بلکه بر اساس یک امر هستی شناختی و اصیل، که منشأ آن ذات خلقت بشری است و نیز بر مبنای احکام و فرامین الهی توجیه می شود. از جمله این مبانی می توان به قدرت اراده و اختیار انسان، آزادی انسان، خلیفه الله بودن انسان و وجهه الهی داشتن انسان اشاره کرد. تمام این موارد خاصه انسان است و دیگر موجودات را شامل نمی شود و از طرفی هم با فساد و خونریزی و گناه انسان از بین نمی رود. بنابراین برای حفظ کرامت اسلامی انسان باید به این مبانی و حقوق توجه کرد و آنها را در هیچ انسانی از بین نبرد.

۲-۲- کرامت ذاتی انسان

اگر انسان ذاتاً ارجمند و گرامی است، پس کرامت ذاتی انسان امری برون دینی می باشد. (بسته نگار، محمد (۱۳۸۰) حقوق بشر از منظر اندیشمندان. شرکت سهامی انتشار. و نیز سروش، «حکومت دموکراتیک دینی» ص ۳۲۶). یعنی انسان پیش از آن که متدین به دین خاصی باشد، چنان حیثیتی رادار است. اگر گفته شود، چون فلان دین حکم به کرامت انسان می کند، پس وی از چنین ویژگی ای برخوردار است، بدیهی است در آن صورت، چنین ویژگی ذاتی او نیست، بلکه وضعی اعطایی است که تنها با اعتقاد به آن دین خاص، یا دست کم به یک گزاره آن دین، می توان چنان حیثیتی برای انسان قائل شد.

در صورتی که کرامت ذاتی انسان نیز، مانند بحث حسن عدل و قبح ظلم، یک بحث فرادینی است، یعنی اساساً یک بحث عقلانی است. توجه دین به بحث حقوق بشر به معنای درون دینی بودن آن نیست، بلکه از قبیل ارشاد به اصلی عقلی است. در این راستا می توان به این مسأله نیز اشاره کرد که این گونه اصول عقلی، اصول قرآنی و اسلامی نیز به شمار می آیند (هم از باب کلمات حکم به العقل، حکم به الشرع، وهم از باب این که صریحاً قرآن آن ها را تأیید کرده است) (جاودان، ۱۳۸۲، ۲۸۲). عقل و دین هر دو کاشف کرامت ذاتی موجود بشری هستند.

برای مثال تلقی یک کودک و یک سارق از برابری و عدالت قابل توجه می باشد. وقتی یک کودک سهم برابر با کودکی دیگر می خواهد یا وقتی سارقی سهمی برابر با سارق دیگر از مال به سرقت رفته می طلبد، تلقی مثبتی از عدالت خواهد داشت. کودک نیک می داند عدالت خوب است، گو این که اساساً نداند دین نیز آن را می